نکته

ایران و آمریکا از کودتای ۳۲ تا انقلاب ۵۷

کودتا، کنسرسیوم، کمربند سبز

محمود فاضلی

■ حاکمیت آمریکا بر ایران بـا کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ آغـاز شـد. آمریکا پس از آنکه توانسـت با اقدامات مختلف تـا ۱۳۳۱ تا حدودی اعتماد ملت ایران و گروهی از نخبگان سیاسی را به خود جلب کنـد، در مقابل حیرت عموم مـردم ایران کودتای ۲۸مرداد را طراحی و اجرا کرد. طبق اسناد منتشره از سـوی سازمان سیا در سـال ۱۳۷۹ و در فاصله زمانی نوامبر تا دسـامبر ۱۹۵۲ نمایندگان امنیتی انگلیس با نمایندگان سازمان سیا در شهر واشنگتن دیدار کردند تا درباره طرح‌های پشت پرده و مبارزه مشترک با نهضت مردمی در ایران به بحث و تبادل نظـر بپردازند. در فروردیـن ۱۳۳۲ آمریکایی‌ها به پیشنهاد انگلیس پاسخ مثبت دادند و آمادگی خود را برای همکاری مشترک جهت انجام کودتا در ایران اعلام داشـتند. در ۱۶فروردین ۱۳۳۲ دولت آمریکا بودجـه‌ای کلان برای انجام کودتا در ایران تصویب کرد و مبلغ یک‌میلیون دلار به صورت علی‌الحساب در اختیـار کمیته طراح کودتا قرار داد تا با توافق و رایزنی با نمایندگان انگلیس برای ایجاد یک حکومت وابسته در ایران هزینه کنند.

در ۲۸فروردین ۱۳۳۲ کمیته مشـترک ایران و انگلیس، عوامل اصلی و داخلی کودتا را مشخص کرد و سرلشـکر زاهدی را برای انجام ماموریت در نظر گرفت. سپس وابسته نیروی دریایی آمریکا در ایران با شـخص زاهدی و پسرش اردشـیر ارتباط برقرار کـرد و آنان را در جریان طرح قرار داد. مسـوولیت این دو وابسـتگان آمریکا، فعالیت در زمینه جذب قوای مسـلح، نمایندگان مجلس ایران، مطبوعات، روحانی‌نماها، دسـتجات آشـوبگر خیابانی، رجال سیاسی، روشـنفکران و دیگر چهره‌های مورد نیاز بود. سرانجام کودتا در ۲۸مرداد تحقق یافت و کودتا نقطه شروع تسلط همه‌جانبه آمریکا بر ایران به شمار می‌آید.

دولت آمریکا به‌طور سریع و با برنامه‌ریزی وسیعی وارد صحنه سیاسی ایران شد و در ۱۱ شهریور یعنی ۱۳ روز پـس از کودتا بـود که دولت زاهدی (مهره سرسپرده آمریکا) رسما از آمریکا درخواست کمک مالـی کرد و آمریکا در شـهریور ۱۳۳۲ با پرداخت ۴۵میلیـون دلار وام به ایران موافقت کرد و در ۱۸ شهریور همان سال نیکسون معاون رییس‌جمهور وقت آمریکا در رأس هیاتی ۲۳ نفره وارد ایران شد و در ۲۱مهرماه ۳۲ نمایندگان جمهوری‌خواه کنگره به همراه هندرسن سفیر آمریکا و همزمان با بازگشت محمدرضا شاه وارد ایران شدند.

قرارداد کنسرسیوم

در ۱۳۳۲ قرارداد معروف کنسرسیوم میان علی امینی که خود پست وزارت امور اقتصادی و دارایی را در اختیار داشت، با نماینده کنسرسیوم نفت شخصی به نام پیج منعقد شد که به موجب آن ۵۵درصد از نفت ایران به آمریکا و ۴۵درصد به انگلیس فروخته می‌شد. «باری روبین» از برجسته‌ترین کارشناسان خاورمیانه و عضو مرکز تحقیقات استراتژیک و امور بین‌المللی دانشگاه جورج تاون آمریکا در مورد تاثیر کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکا به ایران می‌نویسد: «افشای این مطلب به هر دلیل به مصلحت آمریکا نبود، زیرا همین موضوع سال‌ها بعد موجب تقویت احساسـات ضد آمریکایی در ایران شد» همچنین در جای دیگری در مورد اهداف سیاست آمریکا در ایران می‌نویسد: «در فاصله بازگشت شاه به قدرت و سال‌های اواسـط دهه ۱۹۶۰ هدف اصلی سیاست آمریکا در ایران، مقابله با تهدید شـوروی و تقویت موضع دفاعی ایران در برابر همسـایه شـمالی بود. بررسـی پرونده روابط آمریکا و ایران در این فاصله نشـان می‌دهد که آمریکا همواره بر لزوم اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در ایران، تاکید داشته و توسعه اقتصادی و اصلاحات اجتماعی را بهترین و موثرترین راه تامین ثبات و امنیت کشور تشخیص داده است. دکترین آیزنهاور رییس‌جمهوری آمریکا بر اصول زیر استوار بود:

- مقابله همه‌جانبه با شوروی و کمونیسم،
- ممانعت از نفوذ شـوروی و محصور کردن آن در خاک روسیه از طریق ایجاد یک دیوار آهنین به دور این کشور،
- بسـط نفوذ و سـلطه آمریکا در کشـورهای همجوار شوروی،
- استفاده از تبلیغ خطر کمونیسم برای گسترش سلطه آمریکا در جهان.

خروشـچف (صدر حزب کمونیسـت ۱۹۶۴ – ۱۹۵۳) و نخست‌وزیر شوروی (۱۹۶۴ – ۱۹۵۸) به لحاظ پیوندهای نظامی ایران با غرب، ایران را تهدید کرد و خواست که سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کند تا از کمک‌های آمریکا و شوروی بیشتر برخوردار شود ولی این تهدید دقیقا تاثیر معکوس داشت و در عوض آمریکا در ارتباط با هرگونه تهدید احتمالی از سوی شـوروی‌ها، تصمیم به افزایـش کمک‌های نظامی خـود به ایران گرفت و در مـارس ۱۹۵۹ قراردادی را با ایران به امضا رساند که «روبین» در مورد مفاد آن می‌نویسد: «به موجب آن آمریکا متعهد شد در صورت تجاوز خارجی به ایران از استقلال و تمامیت ارضی آن دفاع کند» و بنابراین در دسـامبر همین سـال در جهت تحکیم هرچه بیشتر روابط ایران و آمریکا، «آیزنهاور» رییس‌جمهور وقت آمریکا دیدار کوتاهی از ایران به عمل آورد که خود نشان‌دهنده موضع صریح آمریکایی‌ها نسبت به ایران بود.

آغا محمدخان و فتحعلی شاه قاجار

تهران و روزگار تختگاهی

علی بهادری

از روزگاری کـه شـاه نه چنـدان باتفاخر امـا زیرک و به‌کفایت دوراندیش قاجارهـا، آن خواجه تاجدار در خلوت کریم‌خانی کاخ گلسـتان در نوروز (۱۲۱۰ هـ/۱۱۷۴م) تاج بر سـر نهاد و تهران را به پایتختی برگزید، بیش از دو قرن گذشته است. تهران اگرچه در گذشته‌های دور حسب روایت راویانی چون ابن بلخی (۵۰۰هـ) یاقوت حموی (۶۱۷ هـ) از باغات آباد و چنارهای چند صد سـاله و بلند برخوردار بوده و هـم به توصیف پیتر و دلاواله (۱۶۱۸ م) شـهر چنارها و باغستان‌های بسـیار با جمعیت اندک بوده و هم به روزگار صفویان، خاصه شاه طهماسب (در ۹۶۱هـ) که برج و باروی شـهر را با ۱۱۴ برج و چهار دروازه همراه با خندقی عمیق پیرامون آن ایجاد کرد و نیز به عهد شـاه عباس، که پل‌ها، کاخ و تعدادی کاروانسرا ایجاد شد و در بخش شمالی برج و باروی شاه طهماسب چهار باغ و چنارستان ساخته شد که بعدها دیوارهایی به دورش کشـیدند و به صورت کاخ، کاخ گلستان و مقر حکومتی درآمد و در نهایت کریم‌خان چهار سال تهران را مقر موقت حکومت خود کرد و در محوطه ارگ بناهایی جدید ساخت ولی، تهران همه نامداری‌اش را مدیون آغا محمدخان است.

آغا محمدخان به تعبیر کرزن بصیرتی عالی به خرج داده و تهران را مرکز ثقل حکومت و سـتاد نظامی قاجارها قرار داد، امارت تخت مرمر را بنا کرد و در توسـعه شهر کوشید، تهران آن روز در قیاس با شـهرهایی چون اصفهان، شـیراز، مشهد و تبریز حتی ری و قزوین بی‌نام و نشـان بود و از همه جمعیت ۱۵هزار نفری شهر، یک‌پنجم آن را نظامیان تشکیل می‌دادند، وی به نقل از مسیو الیویه (در ۱۷۹۶/۱۲۱۱م) کسان بسیاری را از بزرگان، روسـای قبایل در تهران به گروگانی داشت که حق خروج از تهران را نداشتند، هر کس به تهران وارد می‌شد مانعی نبود اما هر کس می‌خواست از آن خارج شود و از دروازه‌هایش بگذرد باید از حاکم شـهر اجازه مخصوص می‌گرفت والا مانع می‌شـدند (۱). خان در ازدیاد جمعیت شهر تلاش بسیار کرد، از کسبه و تجار حمایت می‌کرد، امنیت خاصی حکمفرما شد، کسی در تعرض نبود. دروازه جنوبی شهر به اصفهان می‌رفت و دروازه شمال غربی به تبریز، خیابان‌ها تنگ و پر از گل و خاک بودند، شترها، قاطرها، الاغ‌ها در خیابان‌های تنگ و محدود مدام در آمد و شـد بودند، اما خود خان اهل تشریفات نبود، او هنوز روحیه ایلیاتی داشت و بیشتر مرد میدان کارزار بود، چیزی که خوب هم از عهده آن برمی‌آمد.

آغا محمدخان گرد مرارت از جان و تن نگرفته بود که چون نادر رقیب اجدادی‌اش در بسـتر مرگ به ضرب تیغ حرامیان از پـای درآمد و جهـان و ایران و تهرانش را بـا همه آرزوها و هوس‌هـا و ثروت‌ها و کر و فر غلامـان و قراولان و خیل کثیر نوکران درگاه و چاکران جان‌نثار خرده‌ریزخور بله‌قربان‌گو تنها گذاشت و رفت، قبله عالم بی‌آنکه حظّی از آن همه اندوخته‌ها و اندرون‌ها برده باشد، بدرود حیات گفت، او چون همه پادشاهان، چنان می‌پنداشت که پیوسته خواهد ماند و همیشه خواهد بود و مرگ و نیستی و ذلت و ضعف همه از آن رقباست، آنچه شاید هرگز در مخیله او نمی‌آمد، آنچه در مخیله شاهان نمی‌آید، مرگ است، بی‌خود نیست که به اشاره انگشتی جان کرور کرور آدم را می‌گیرنـد چنان‌که او در تفلیس گرفت و ۲۰هزار یا به زعم سر پرسی سایکس ۷۰ هزار چشم را در کرمان از حدقه درآورد و کپه کرد.

آنچه او چون همه پادشاهان می‌پنداشت، آنچه او همچون همه پادشاهان می‌اندوخت، آنچه او چون همه حاکمان به‌عنوان کاخ و عمارت و ابنیه می‌سـاخت چنان بود که حیات کسی یا کسان بسیاری را برای قرن‌ها تضمیـن می‌کرد، چنان‌که عمارت‌ها و کاخ‌های شـاهان یکی‌یکی از پـی هم طی قرون متمـادی ماندگار شـده اسـت اما از خود آنهـا تنها نام‌ها و یادهای‌شـان باقـی مانده اسـت. آغا محمدخان از آن دو نیروی شـگفت که پیوسته در تاریخ معجزه آفریده و آدمی را به حیرت واداشته و شاهکاری ماندگار خلق کرده، عشق و کینه، به‌وفور از دومی برخوردار بود، او چون اسـلاف نامداری چون نادر، چنگیز، اسکندر به‌غایت از آن نیروی شگرف درونی خود اسـتفاده کرده و با وجودی آکنده از کینه و نفرت، انتقام انباشـته دیرین خود را از روزگار و از همه گرفت. او که حسب قضاوت قیافه و ظاهرش به هیچ کار نمی‌آمد به عالی‌ترین درجه فرمانروایی ایران رسید و همه را مطیع خود کرد و ایران را دیگر بار با حداقل امکانات و تجهیزات یکپارچه کرد.

بیچاره آغا محمدخان، بیچاره جعفرقلی برادرش (۲)، بیچاره آن گروه نام‌آور، آن خیل کثیر بی‌نام ونشـان اجیر دور و برش، که هریک به امیدی شـبانه‌روز ثناگوی قبله عالم‌شان بودند و کم و بیش به اندک نوایی هم رسیده بودند، بیچاره از آن رو که می‌پنداشـتند آن دم و دستگاه و تشکیلات، آن خدم و حشم، آن بیا و برو، آن خیمه‌ها و خانه‌های افراشـته و استوار پیوسته پاینده و پایدارند. اما دست تقدیر یا دست‌های تدبیر کسانی که از سـر تصادف یا تدبر، گاه به گاه شـاهکار می‌آفریند، کار شاه نام‌آور قاجارها را سـاخت و همه چیز را دگرگون کرد، بادهایی که به زحمت او و کسـانش طی سال‌ها به رنج و مرارت بسیار به بند آمده بودند به‌یکباره رها شـدند، خیمه‌های بسـیاری از بیخ وبن کنده و بسـیاری هراسـان پراکندند، بسیاری از نان و نوا و بسـیاری دیگر از زندگی سـاقط و بسیاری دیگر از مقام و منزلت و محبت شاهانه محروم شدند. و این سنتی شد در مرگ شـاهان پس از او، چنان‌که سنتی بود در شـاهان پیش از او، همچنان که سنتی است در همه تاریخ، خانی رفت و خانی دیگر آمد، البته نه به آسانی همین گفتن و نه به آسانی یک رفتن و یک آمدن، بیچاره سپاهیان، بیچاره خدم و حشم، بیچاره خیل جان‌نثاران که پروار روزگار قحطی‌اند، هرکه هرچه جان‌نثارتر به تیغ قربانی نزدیک‌تر، وفاداری و جان‌نثاری، نوکری و پیش‌مرگی اگرچه لازمه تلذذ و تعیش و تفاخر دربار شاهی‌اند اما همه و هر یک نشانی از آمادگی قربانی شدن بالقوه در رکاب قبله عالمند.

فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲هـ/۱۷۹۷-۱۸۳۴ م) شاه نوظهور که بعدها خاقانش می‌گفتند بـا گام‌هایی لرزان و قلبی پر تپش در پیش و پی سپاهی نه چندان کثیر شیراز را بـا پیر کهنه‌کار و کاردانی چون حاج ابراهیم‌خان کلانتر ترک کرد و با تحمل مشقاتی چند به تهران رسید. مدعیان یک‌یک به تیغ تدبیر حاج ابراهیم‌خان چون خود او از میان رفتند و با تدابیری که در همه وزیران کاردان ایرانی در طول تاریخ آن نمایان است و نیز جان‌فشانی بسیاری از جان‌نثاران بادها دیگربار به بند آمدند و روزگار خوشـی و عشـرت و آرامـش بازآمد و مخالفان هـم یا به عزلت رفتند یا به تیغ جلاد سپرده شدند یا افتخارات خود را لیست کرده خدمت خاقان رسیدند و از سر مصلحت علم اطاعت افراشتند و هر یک به تبع مقام و موقع خود تبعیت از قبله عالم نوظهور را تجلی دادند تا مرید بودن و هم مطیع بودن‌شان را نمایانده باشـند و این سنتی شـد در همه دوران قاجار، آنچنان که سنتی بود در همه تاریخ.

فتحعلی شاه به روزگار آرامش، تهران را از جهات مختلف توسـعه داد، آمد و رفت‌های جدید بزرگان و تجار و بازرگان‌ها، سـران قبایل، سـرداران و سـفرا و کارگزاران روز به روز لزوم این توسـعه را بیشتر می‌نمایاند. مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، کاروانسـراها (۳) و حمام‌های بسیاری ساخته شد، بازار خاصه، رشد چشـمگیری کرد. وی مسجد شاه، مسجد سید عزیزالله، مسـجد مروی، قصر قاجارها (۴)، کاخ نگارستان، قصر لاله‌زار و کاخ نیاوران را بنا کرد و دیوار دارالعماره را وسـعت بخشـید و عمـارت خروجـی را در ارگ سـلطنتی بنا کـرد و نیز باغ هفت‌حوض در گلوبندک و باغ نگارسـتان را در شمال میدان بهارستان در یک کیلومتری سرچشمه، همان قتلگاه قائم‌مقام فراهانـی وزیر کاردان و فهیم نوه خاقـان در اوان امارت، و نیز باغ زندان قصر معروف به باغ قصر قجری همه در دوره این شاه ساخته شدند، اما همه اینها در دوران‌های بعد یا از بین رفتند یا بنا به ضرورت تخریب شدند و از آن میان کاخ نیاوران و مسجد شاه باقی ماند و همچنان هم پابرجایند.

دوره نسبتا طولانی حکومت فتحعلی شاه برای رشد تهران خاصـه از حیث نفوس و جمعیت فرصتی بود. جمعیت تهران حسب روایات مختلف در این دوران دو یا سه برابر رشد و قریب ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر رسید، رشد جمعیت تقاضاهای چندوجهی برای کالاها و خدمات جدید را سبب شد که خود خدمتگزاران و صاحبان حرف و مشـاغل جدید را به پایتخت آورد اما با این همه تهران بسیار کمتر از آن بود که شکوه و جلال پایتختی در حد پایتخت‌های بنام آن روزگار، همچون لندن، پاریس، سـن پترزبورگ، استانبول و... را داشته باشد.

اما آنچه بیش از آثار محسـوس و ملموس در تاریخ تهران عصر فتحعلی شاهی در اوراق تاریخ و اذهان مردمان باقی مانده، جریانات، حوادث و وقایع و سـبک سـیر رویدادهایی است که در این عصر و در دربار این شـاه در تهران اتفاق افتاده اسـت. جناب باباخان برادرزاده آغا محمدخان ممتاز و مکار، همان پسر حسینقلی‌خان جهانسوز که بعدها فتحعلی شاه شد، در جوانی در رکاب عمو دلیرانه شمشـیر می‌زد و چون وی پیوسـته در جنگ و جهاد بود اما با تشـرف به روزگار عشـرت و تلبس به لباس شاهانه، جمع کثیر کنیزکان و رقاصان و مطربان هوش از حواس خاقان ربودند و او را سرگرم معاشقه و مراودات پیدا و پنهان خود کردند و او چنان عنان اختیار را از کف داد که ملعبه نه امپراتورها و شاهان دیگر بلاد که سفرایی چون ژوبر، رمیو و جونز و گاردان (۵) و اوزلی و دیگران شد که هیچ‌یک از قراردادهای منعقده(۶) و مناسبات سیاسی وی با آنان نمودی از آگاهی سیاسی و زیرکی دیپلماسی او را نمی‌نمایاند. شاه دیگر نه فقط مرد جنگ و سیاسـت نیسـت بلکه به‌عکس رویه کریم‌خان (۷) اشتیاق وافری به اندوختن مال خاصه جواهرات داشت. لوییز دوبوا، نقاش فرانسـوی او را بسـیار خسیس و طمـاع معرفی می‌کنـد به‌طوری‌که می‌گوید، سـالانه ۱۲ میلیـون فرانک جواهرات می‌خـرد و آنها را در صندوق روی هم می‌ریزد، طلای بی‌حساب جمع‌آوری می‌کند، ... الذی جمع مالاوعدده ایحسب آن ماله اخلده.

او با سیاست‌های غلط با تعلل‌ها، تنگ‌نظری‌ها و تعامل‌ها و مصالحه‌های بی‌خردانه و نابجای خود و مشاوران و مباشرانش نه فقط از مبادلات نامتوازن قدرت در عرصه بین‌الملل آن روزگار بهـره‌ای نبرد، نه فقط از هیچ‌یک از موقعیت‌ها و نوسـان‌های حساس شرایط دول آن روزگار استفاده‌ای نکرد، بلکه ۱۷ ایالت از ایالات شمالی را طی دو معاهده گلستان (۱۲۲۸هـ۱۸۱۳) و ترکمانچـای (۱۲۴۳هـ۱۸۲۸) پیرو دو دوره جنگ‌های ایران و روس از دست داد و از قبل آن مشکلات و معضلات و موانعی را از جهات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وجود آورد (۸) که آثار آن تا روزگار ما باقی مانده است از جمله مساله دریای خزر.

خاقان نامدار قجری با وجود همه معضلات پشـت سـر و مشکلات پیش رو همچنان زندگی افسانه‌ای خود را در تهران در میـان انبوه زنـان و فرزندان و فرزندزادگان بی‌شـمارش با همه عشـق وافری که به زن و زیور و جواهرات داشـت تداوم بخشید تا سرانجام در (۱۲۵۰ ق/۱۸۳۴ م) در سن ۷۰ سالگی جهان را بدرود گفت و عمارت‌های نوساخته خود را به دیگری واگذاشـت... ولی با این همه آغا محمدخان و فتحعلی شـاه با وجود همه کسـری‌ها و کژی‌ها و قصورات و قساوت‌های محرز و مشخص‌شان، آخرین شاهان سنتی ایران بودند که پیشاپیش و در کنار سـپاهیان شمشیر می‌زدند، شاهان پس از آنها همه کاخ‌نشـینانی بودند که خوابیده نعره می‌کشـیدند، نیز آن دو آخرین پادشـاهانی بودند که بی‌دخالـت و تایید خارجیان به قدرت رسـیدند، تا زمان این دو پادشاه تصاحب تاج و تخت در گرو تدبیر و شمشیر مدعیان سلطنت بود اما بعد از آن سرنوشت سریر قدرت در میادین جنگ رقم نمی‌خورد و پادشاه بی‌دخالت دولت‌ها و سفرای روس و انگلیس پادشاه نمی‌شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- و این جریان در همه روزگاری پس از آغا محمدخان ناخواسته سنتی شـد لاتغییر، که هر کس به تهران بیاید دیگر نمی‌رود چنان‌که امروز هم چنین است.

۲- جعفرقلی را آغا محمدخان تهدیدی در تصاحب تاج و تختش می‌دانست، لذا او را به لطایف‌الحیل بسیار به تهران آورد و به اشاره ملوکانه، ندیمان و مریدان بر سرش ریخته و خونش را ریختند.

۳- جمیـز موریه همان که حاجی بابای اصفهانی را در توصیف ایرانی‌ها و خصوصیات آنها نوشته، حمام‌ها و کاروانسراها را ۱۵۰ باب ذکر کرده است.

۴- قصر قاجار، معروف به قصر ورسـای تهران که این تشـبیه بیشتر از نظر پله‌ها و تپه‌ای که قصر بر فراز آن ساخته شده بود حاصل شده بود (هاینریش بروکشن ۱۲۷۷/۱۸۶۰)

۵- ژنرال گاردان فرانسوی، فرستاده ناپلئون که نخستین درمانگاه و کارخانه توپ‌ریزی را در تهران ایجاد کرد «اعتمادالسلطنه ۱/۵-۸۵۴م»

۶- قراردادهای فین‌کن‌اشـتاین میان ایران و فرانسه، مجمل و مفصل میان ایران و انگلستان که تماما یک‌جانبه و با تعهداتی مبهم و راه گریز روشـن برای فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها طراحی شده بودند.

۷- کریم‌خان زند به هنگام مرگ تنها هفت هزار تومان در خزانه داشـت و همه درآمدها را به جای اندوختن و خرید جواهرات خرج آبادی کشـور کرده بود. برعکس نـادر که اندوخته او به هنـگام مرگ ۷۱۵ میلیون تومان بـود، (جان فوران، مقاومت شکننده)

۸- در سـال (۱۲۴۶ هـ) در تهران خشـم عمومی از عملکرد گریبایدوف بالا گرفت و منجر به قتل عام اعضای سفارت روسیه به جز یک نفر شد، وحشت همه دربار را فراگرفت.

ادامه از صفحه ۱۱

چرا مشروطیت؟

بدون شبهه یکی از دلایل شکست این طبقه، این بود که در مقایسـه با بورژوازی کشـورهای اروپایی یک طبقه مولد و سـازنده متاع ماشینی نبود، بلکه فقط واردکننده آن بود، بنابراین از خود نیروی مستقلی نداشت. مطلب شایسته دقت اینکه مشـروطیت ایران در شهرها نضج گرفت و مردم طبقات متوسط از مدافعان اولیه آن بودند و زمانی که در دوران استبداد صغیر نهضت مشروطه‌طلبی جنبه مبارزه مسـلحانه به خود گرفت؛ به تدریج به دست نیروهای غیرشهری یعنی ایلات و عشایر افتاد. چه شد که افراد ایل که طبق رسوم و سنن زندگی کوچ‌نشینی به سر می‌برند و تابع نظام نیمه فئودالی و نیمه‌عشیره‌ای بودند به صورت یکی از عوامل موثر مشروطیت درآمدند؟ از جهت بحث نظری و ایدئولوژی طبقاتی رابطه‌ای میان زندگی عشـیره‌ای و آرمان‌های انقلابی نظیر مشروطیت ایـران وجود نداشـت؛ بـه عبارت دیگر عشـایر نمی‌توانسـتند خواهان همان رژیم سیاسـی‌ای باشند که بازاریان و تجار دنبال آن بودند.

شاید بتوان مداخله ایالات را چنین تعبیر کرد: هنگامی که بحران رژیم آغاز و مردم شهرنشـین برای در دست گرفتن قدرت وارد صحنه مبارزات سیاسی شدند در این راه موفقیت بی‌سابقه‌ای به دسـت آوردند درنتیجه به علـت عدم توانایی در نگه‌داشـتن آن در برابر قدرت مالکان و عشایر در آخر به قسمتی از همین قدرت پناهنده شدند- به طوری که کمک این قسـمت از نیروهای مسلط (عشایر بختیاری) توانست مشروطه‌خواهان را به پیروزی برساند و ناگزیر کسانی که در این پیروزی سهم موثری داشتند، مشروطیت بازیافته را تحت تاثیـر روحیه، افکار و منافع خود قـرار دادند. در حقیقت پس از چند سال کشمکش میان مردم شهرنشـین و نیروی خارج از شهر مجددا قدرت در دست نیروهای عشایری و مالکان افتاد. بی‌شک جانبازی و دلاوری مردم شهرهای ایران به‌خصوص تبریز، رشت، اصفهان، کرمان و مشهد از هنگام به توپ‌بستن مجلس به دست محمدعلی‌شاه تا فتح تهران و سپس در مقابله با اولتیماتوم دولت روسیه با وجود سـتمگری‌های قوای آن دولت تا مبارزه با قیام‌های همدستان محمدعلی‌شاه به‌خصوص فداکاری و مجاهدت فداییـان که از صحنه‌های افتخارآمیز تاریخ ایران بوده و دلیل بر این است که جنبش مشروطیت ریشه‌هایی در میان توده مردم شهرهای بزرگ داشته است.

جدول ۱۳۶۴

افقی:

۱- مبتکر زبان اسپرانتو- عاقبت به خیر ۲- راه فاضلاب- میهمان ناخوانده- کاغذ سـفت و ضخیم ۳- پسر گودرز در شـاهنامه- بسته شـدن- همنشین جن ۴- قشـون. سپاه- آمیختگی- تکرار یک حرف ۵- پیدا نشدنی- زمینه موسیقی- پرنده خوشبختی ۶- بیماری یرقان- چشم سیاه- پرهیزگاری ۷- یـازده- تازی- کتابی از سـهراب سـپهری ۸- از اعضای تنفسی- از هم گسیخته- گل و لجن- گردش کودکانه ۹- همخانه- نیم تنه زنانه- مشک ۱۰- اشاره به نزدیک- خرمافروش- موسس سلسله اشکانی ۱۱- پیامبـر نقاش- از غصه و غـم مردن- از انـواع دادگاه ۱۲- رودی در فرانسـه- به آرزو نرسیده- بیمارستانی در تهـران ۱۳- سـال آذری- موثر و مفید- از مرکبات ۱۴- وسـیله‌ای برای پرواز- دریایی در شمال اروپا- اما ۱۵- پیامبر بت شکن- همه گیر

عمودی:

۱- لاغر- از قاره‌ها ۲- مطلع- نشـان دادن- دندانهای نیش ۳- جمع مولود- اشاره به دور- پول کشور ایتالیا ۴- بدرقه‌کننده- سـنت- حرف فاصله ۵- نشانه جمع- درون دهان- تابناک- کالای دست اول ۶- هوس زن باردار- عارف قـرن ۳ و ۴- نوعی زیرپوش ۷- قطار- انتها، آخر- مخترع ماشین بخار- خاموش ۸- داد و ستد- نمد درست می‌کند ۹- نویسنده- رتبه کارمندی- سفید آذری- از انجیل‌ها ۱۰- پدر شعر عرفانی- لاستیک ماشین- نام معروف‌ترین تراژدی یونان ۱۱- سد خوزستان- گماشته- کشیدن- چه وقـت؟ ۱۲- ناپیـدا- نـام آوری- جوی مصنوعی ۱۳- عنوان مردانه- از اصول دین- کشـف مادام کوری ۱۴- هدیه به عروس- منسوب به بدخشان- ناسیونال ۱۵- گلی زیبا- مرکز کشور ایسلند

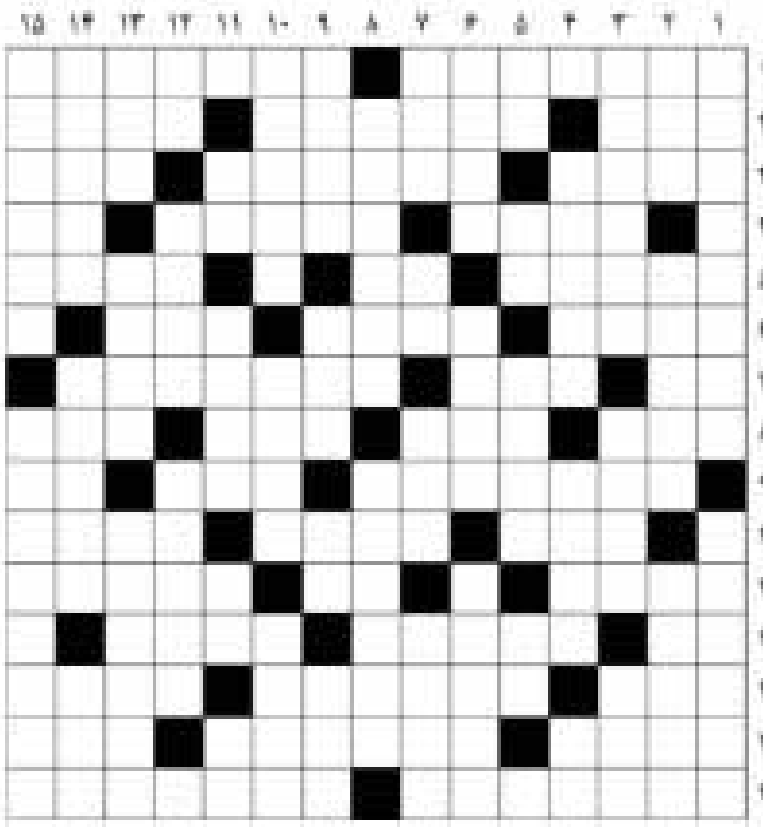

حل جدول ۱۳۶۳

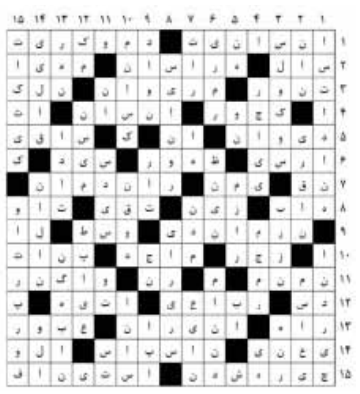

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۶۷

۱	۷		۲	۶			۹	
۲		۴	۸					۳
۳	۹			۷			۲	
۴			۶				۵	۱
۹			۳		۲		۶	۸
	۱		۵	۸		۹	۷	
۷				۳	۸		۴	
۸			۱		۵	۶		
۵	۳		۷			۲		۹

حل سودوکو ۳۶۶

۵	۹	۱	۲	۳	۷	۴	۸	۶
۲	۸	۴	۶	۵	۱	۳	۷	۹
۶	۷	۳	۴	۹	۸	۵	۲	۱
۷	۵	۹	۸	۱	۲	۶	۳	۴
۴	۱	۲	۷	۶	۳	۹	۵	۸
۸	۳	۶	۵	۴	۹	۷	۱	۲
۹	۲	۵	۳	۸	۶	۱	۴	۷
۱	۴	۸	۹	۷	۵	۲	۶	۳
۳	۶	۷	۱	۲	۴	۸	۹	۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۷

۴		۸						۲
۷				۱	۶		۳	
		۶				۴	۹	
	۴			۸	۷	۱		
۸					۱	۷		
			۶	۵	۳			
		۷				۹		۴
۹						۳		
						۲	۱	۵

حل سودوکو سخت

۴	۱	۲	۷	۶	۸	۹	۳	۵
۸	۹	۳	۲	۱	۵	۶	۷	۴
۶	۷	۵	۴	۹	۳	۲	۱	۸
۳	۶	۸	۱	۲	۷	۵	۴	۹
۱	۲	۹	۸	۳	۴	۷	۶	۲
۷	۵	۴	۹	۷	۶	۳	۸	۱
۹	۳	۶	۵	۴	۱	۸	۲	۷
۲	۴	۱	۳	۸	۹	۷	۵	۶
۵	۸	۷	۶	۵	۲	۱	۹	۳